

سر نوشت مسلمانان فیلیپین

اسلام در فیلیپین (۱) در خطر است و مسلمانان نیز در مخاطره شدید قرار گرفته اند.

آغاز ورود اسلام در جزائر فیلیپین از تنبه جزیره عربستان، هند، اندونزی و مالیزی، بوسیله مبلغان اسلامی و تجار مسلمان صورت گرفته است.

انتشار و نفوذ اسلام در شمال و جنوب این کشور زیر پرچم اسلام تدریجاً بوسیله خود مردم، بدون هیچ گونه فشار خارجی تحقق یافته است. زیرا فیلیپین در گذشته هرگز حمله نظامی اسلام و مسلمانان را بخود ندیده است.

لکن فرزندان مسلمانان در فیلیپین علی‌رغم میل باطنی خود، از زمان خلافت بنی عباس همواره برای دفاع از ایمان و عقیده خویش ناگزیر از مبارزه و حمل‌السلحه بودند. مدت چهار قرن است که آنان بر ضد استعمار اسپانیا و سپس بر ضد استعمار آمریکا و اکنون با دست نشانده اش «فردیناند مارکوس» و دار و دسته اش، جهاد میکنند.

جنگ نابودکننده و وحشیانه صلیبی که «مارکوس» و قوای نظامی او بر ضد اسلام و مسلمانان هم اکنون در دورترین نقطه

شرق اسلام راه انداخته است، چیزی جز همان جنگ وحشیانه صلیبی‌ها نیست که اجداد او و سایر تریبیت یافته گان اسپانیا او بوسه میباشان و پیشران مسیحی بر ضد اسلام و مسلمانان در اندلس، اسپانیا و اقصی نقاط مغرب جهان اسلام از قرن‌های پیش، بر راه انداخته بودند.

نام‌گذاری استعماری!

شاید تعداد کمی از مسلمانان فیلیپین امروزی، بدانند که اسم فیلیپین را اسپانیایی‌های استعمارگر از اسم پادشاه خود «فیلیپ دوم» گرفته‌اند.

در چهار قرن پیش برای نخستین بار هنگامی که پای این پادشاه استعمارگر این جزائر اسلامی رسید آنرا بنام او نامیدند. این جزائر قبلاً متعلق بکشورهای اسلامی (اندونزی و مالزی) بود. اسپانیا در طول صدها سال علی‌رغم نابود کردن قسمت اعظم مسلمانان و آواره ساختن و غارت کردن قسمت مهم دیگر از جزائر شمالی این کشور و علی‌رغم پایان دادن به حکومت اسلامی مانسل، باز نتوانست بر ایمان فرزندان مسلمان جزائر میدانائو - صولو - و سایر

سر نوشت مسلمانان فیلیپین

جزائر جنوبی این کشور عقبه کند و آنان را مسیحی و نصرانی سازد!

چهار میلیون مسلمان

چهار میلیون مسلمان که بیش از ده درصد مجموع جمعیت آنجا را تشکیل میدهند دولت فیلیپین حقوق‌شان را سلب کرده و آزادی‌شان را محدود ساخته است. راه پیشرفت و ترقی و علم و دانش آنان را محدود نموده است.

ولی در عوض باران گلوله‌ها و بمب‌های توپ‌ها و هواپیما است که همواره بر سرشان فرو می‌ریزد و هرگز آتش گلوله مسلسل و توپ از آنجا قطع نمی‌شود. تازه کسی از ممرکه و از چنگ مرگ و بمب و گلوله مسلسل نجات یابد، طعمه نفر و گورنگی، چهل و هفت ماندگی و مورد بهره‌کشی و در بند اشغالگران و استعمارگران گرفتار می‌شود.

راستی که آنان مجاهدین با ایمان و ساینسته و ثابت قدمی هستند که جز دفاع از

ایمان و عقیده و فداکاری و شهادت در راه الله (خدا) بجز دیگری نمی‌اندیشند! چهار میلیون مسلمانانی که در خلال ۴ سال که از انقلاب مسلحانه آشکار نعلی آنان، می‌گذرد بیش از ۴ هزار جنگجو و مجاهد و بیش از پنجاه هزار از شهروندان مسلمان و بیگناه را از دست داده است بدون آنکه کسی از جهان اسلام و کشورهای مسلمان از آنان حمایت و دفاع نمایند.

خطر برای اسلام و مسلمانان

در جنوب فیلیپین شهیدان بخالد و خون می‌غلطند! زنان بیوه می‌شوند! بچه‌ها یتیم می‌گردند! و خانه‌ها ویران می‌شود! ولی رسانه‌های گروهی و ایستگاه‌های خبری بسیاری از کشورهای اسلامی آنها را نادیده گرفته و یا آنها را برای ملل مسلمان جهان وارونه جلوه می‌دهند! حتی برخی از مطبوعات و جراید نیز سبب تحکیم میانی

نظارت بر بنده

(۱) فیلیپین از کشورهای خاور دور است و شامل ۷۱۰۰ جزیره کوچک و بزرگ می‌باشد که تعداد ۱۱ تا ۱۳ جزیره از جزائر اصلی محسوب می‌شوند و بقیه جزیره‌ها کوچک می‌باشد که جمعاً ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت آنهاست.

پایتخت این کشور «مانیل» و تعداد جمعیت این کشور بیش از چهل میلیون نفر می‌باشد.

جزائر مورو در قسمت جنوب کشور واقع است که مرکز اصلی مسلمانانست و چون آنان بمسلمان «مورو» می‌گویند جزائر جنوبی آنجا را مثل میدانائو و صولو و... را جزائر مورو می‌نامند.

حکومت جانی فیلیپین و عامل تقویت روابط
با آن کشور می باشند.

چنانکه اخیراً یکی از بزرگترین مجلات
رسمی روز، یک صفحه کامل درباره مصوبات
مارکوس پیرامون اسلام نوشته بود و
مسلمانان انقلابی را گروههای شورشیان
مسترد نامیده و جهاد مقدس آنان را بعنوان
سید از آب گل آلود یاد کرده بود! و نوشته
بود که مشکل جنوب فیلیپین، اساساً یک
مشکل دینی و اسلامی نیست!!

آری شهیدان بخاک و خون می غلطند،
زنان بیوه، و کودکان یتیم و خانه ها ویران
می شوند، و پادشاهی یکی از کشورهای اسلامی
اخیراً از فیلیپین دیدار می کند. و با «مارکوس»
روابط دیپلماتی برقرار می سازد. درحالیکه
باران بسم و گلوله است که بر سر
مسلمانان می بارد! و همه این کارها در
سال های اخیر و به تازگی اتفاق افتاده
است.

و نیز اخیراً مارکوس از همسر یکی
از روسای کشور اسلامی استقبال می کند؛
و همسر خویش را به دیدار کشور دیگر
اسلامی می فرستد. و برای وساطت از
۴ کشور اسلامی کمیونی تشکیل می دهد.
تا راه حلی برای قضیه مسلمانان جنوب
فیلیپین، پیدا کنند و سپس خودمختاری
مسلمانان را در چارچوب وحدت فیلیپین
و عده می دهد. البته فقط وعده بدون آن
که هیچ تضمینی برای تحقق آن یا ادامه
و بقای این راه حل، بعمل آورد.

و پس از آن فوراً اعلام می کند که
قضیه را به فراتر نمی گذاریم و این همه
بررسی در سطح ۴ میلیون اهالی ۱۳ استانی
و جزیره بزرگ برای حق مسلم خودمختاری،
۴ میلیون مسلمان است!

نتیجه این فیرنگ و خلف وعده مارکوس
از پیش معلوم است که چگونه این
فراتر نمی گذاریم، حق مسلم آنانرا پایمال خواهد
کرد.

آری او این چنین مسلمانان را در
مسلخ قربانی و در دست جلاخان قرار
می دهد.

آیا این است وصیت ۵۴ هزار شهید
به سران کشورهای اسلامی؟! و آیا این
است آرزوی دهها هزار بیوه زن و یتیم
در فیلیپین؟

آری شما فرزندان اسلام و مجاهدان
فیلیپینی جز خداوند یار و یاور نمی دارید.
و فقط خداوند است که می تواند افراد پاک
و نیکوکار را از پلیدها و آلودهها، تشخیص
دهد.

خداوند قادر بر نصرت و یاری شما پیش-
آهنگان و پیشروگان اسلام در همه جا است
و می تواند جهاد و مبارزه شما را بر ضد
باطل و طاغوت و اعوانش و راه های
معتدله نوطه های آنان، در سطح جهانی
امروز و سرتیغ سازد.

به امید آن روز.

و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب
ینقلبون: